



دانشگاه باقر العلوم
(عبر دوستان - عبر العلماء)

دانشگاه باقر العلوم «علیه السلام»

دانشکده: علوم سیاسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: علوم سیاسی

عنوان:

تأثیر بیداری اسلامی بر تحولات دهه اخیر خاور میانه

استاد راهنما:

آقای دکتر محمد ستوده آرانی

استاد مشاور:

دکتر عبدالوهاب فراتی

نگارش:

سید روح اله موسوی

۱۳۹۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به:

ساحت مقدس پیامبر اعظم (صلی الله علیه وآله و سلم)

پیامبری که رحمت للعالمین نام گرفت و رحمتش تمام عالم را فرا گرفت ، اما در این برهه از زمان عده ای کوردل با نشان دادن عمق کینه و نفرتشان نسبت به اسلام و حقایق منتشر شده از آن، با دیدن تلالو روز افزون اسلام و قرآن در جهان، برآن شدند تا این چراغ هدایت را، با یاوه گویی مضمئز کننده خود، علیه مقدس ترین و نورانی ترین چهره میان مقدسات عالم خاموش کنند، اما از وعده ی الهی بی خبرند که فرمود:

« می خواهید نور خدا را با دهان خود خاموش کنند و حال آنکه خداگرچه

کافران را ناخوش افتد، نور خود را کامل خواهد گردانید» سوره صف /آیه ۸

تقدیر و تشکر

در ابتدا سپاس ایزد یکتا را که این توفیق را میسر نمود تا این حقیر راه کسب علم و دانش را پیش گیرم، به امید آنکه در پرتو آن راه کمال را بیمایم.

حال پس از حمد و سپاس خداوند، بر خود لازم می دانم تا از خانواده و بویژه همسر و تمام کسانی که در طی طریق این مرحله یار و مشوقم بودند تشکر کنم، اما نهایت تشکر را بایستی از استاد راهنمای بزرگوار و عالم خود جناب آقای دکتر ستوده داشته باشم که با نهایت لطف و حوصله، مسیر انجام این تحقیق را برایم هموار نمود، و تشکر ویژه داشته باشم از جناب آقای دکتر فراتی استاد مشاور بنده در انجام این تحقیق، که با مشورت های بجا و عالمانه خود در سرعت بخشی به اتمام کار موثر واقع شد، و همچنین جا دارد از جناب آقای دکتر خراسانی که زحمت داوری این تحقیق را تقبل نمودند و با مطالعه دقیق این نوشته در تکمیل و رفع عیوب آن کمک بزرگی کردند، بدینوسیله صمیمانه تقدیر کنم.

در خاتمه توفیق روزافزون تمامی اساتید بزرگوار خود را از درگاه خداوند متعال خواستارم.

چکیده

این نوشته بر آن است تا تاثیر بیداری اسلامی بر تحولات دهه اخیر خاورمیانه را در قالب نظریه پخش تبیین نماید. در این راستا سابقه تحولات بیداری اسلامی و پیشینه تحقیقات موجود در این زمینه را، مورد بررسی قرار دادیم که از حمله ناپلئون به مصر آغاز شد و این شروعی برای استعمار جوامع اسلامی توسط غرب و واکنش مسلمانان نسبت به عقب ماندگی خود و پیشرفتهای اروپا، و جستجوی آنها برای یافتن راه حل برای این عقب ماندگی بود که خود منجر به پیدایش سه رویکرد در جوامع اسلامی شد، این سه رویکرد عبارت بودند از: ۱- غرب گرایی ۲- ملی گرایی ۳- اسلام گرایی. اما اسلام گرایی یا همان بیداری اسلامی را به سه مرحله تقسیم نمودیم که عبارتند از: ۱- مرحله فریادگری بیداری اسلامی (تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران) ۲- مرحله عمل گرایی بیداری اسلامی (دوره پیروزی انقلاب اسلامی ایران) ۳- مرحله گسترش و نفوذ بیداری اسلامی (بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران) در مرحله اخیر، سه حادثه باعث رشد روند اسلام گرایی شد که عبارتند از: ۱- انقلاب اسلامی ایران ۲- فروپاشی شوروی ۳- حادثه ۱۱ سپتامبر، که در این نوشته به مباحث پس از این حادثه خواهیم پرداخت. بنابراین تحولات سیاسی و اجتماعی مهم که در طول دهه گذشته در منطقه به وقوع پیوسته، ماهیت این تحولات، علل بروز و تشدید آن، نقش ایران به عنوان مبداء پخش این تحولات، بازیگران حاضر در آن و اهداف هر یک از آنها و نیز برخی موانع که سر راه بیداری اسلامی و پخش الگوی ایران قرار دارد را بیان نموده ایم. در پایان خواهیم گفت که تحولات اخیر در منطقه ادامه موج بیداری اسلامی از سالهای پیش است، که با الگوگیری از انقلاب اسلامی ایران تشدید شد و اگر تا همین جای کار بررسی نماییم درمی یابیم که: ۱- خاورمیانه در حال شکل گیری خاورمیانه اسلامی است. ۲- این مردم منطقه هستند که تعیین می کنند چه کسانی، و چگونه بر آنها حکومت کنند. ۳- با تقویت بیداری اسلامی دیگر از چیزی به نام خاورمیانه بزرگ، جدید و یا خاورمیانه ای که زیر سلطه صهیونیسم و استکبار باشد خبری نخواهد بود و این یعنی دستیابی به سه مولفه شاخص بیداری اسلامی که همانا اسلامیت، جمهوریت و استکبارستیزی است.

کلمات کلیدی: بیداری اسلامی-انقلاب اسلامی ایران-خاورمیانه-نظریه پخش

فهرست مطالب

۱	مقدمه: طرح تفصیلی تحقیق
۲	طرح موضوع
۳	علت انتخاب موضوع
۳	سابقه پژوهش
۶	سوال اصلی پژوهش
۶	فرضیه پژوهش
۷	مفاهیم
۷	بیداری اسلامی
۷	انقلاب اسلامی ایران
۸	منطقه خاورمیانه
۱۰	نظریه پخش
۱۰	سوالات فرعی
۱۱	پیش فرض پژوهش
۱۱	اهداف پژوهش
۱۲	روش پژوهش
۱۲	روش گردآوری اطلاعات
۱۲	سازماندهی پژوهش
۱۴	فصل اول: مفاهیم، کلیات و چارچوب نظری
۱۵	مقدمه

الف) مفاهیم	۱۵
۱- بیداری اسلامی	۱۵
۲- انقلاب اسلامی ایران	۱۹
۳- منطقه خاورمیانه	۲۲
ب: چارچوب نظری تحقیق (نظریه پخش)	۲۵
۱- نظریه پخش	۲۵
۲- انواع پخش	۲۷
۳- عوامل نظریه پخش	۲۸
۴- عوامل کاهش دهنده پخش	۲۹
فصل دوم: سابقه تحولات بیداری اسلامی	۳۱
مقدمه	۳۲
الف: سه موج فکری عمده در جهان اسلام پس از حمله غرب به جوامع اسلامی ..	۳۳
۱- غرب گرایی	۳۳
۲- ملی گرایی	۳۳
۳- اسلام گرایی	۳۴
ب: مراحل بیداری اسلامی	۳۵
۱- مرحله فریاد گری بیداری اسلامی	۳۵
۲- مرحله عمل گرایی بیداری اسلامی	۳۹
۳- مرحله گسترش و نفوذ بیداری اسلامی	۴۵
۳-۱- انقلاب اسلامی ایران	۴۶
۳-۲- فرو پاشی شوروی سابق	۴۹
۳-۳- حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا	۴۹
فصل سوم: تحولات دهه اخیر در منطقه خاورمیانه و ماهیت آن	۵۲
الف: تحولات سیاسی- اجتماعی منطقه خاورمیانه از ۱۱ سپتامبر تا کنون	۵۳
۱- حادثه ۱۱ سپتامبر و جنگ افغانستان	۵۳

- ۲- طرح خاورمیانه بزرگ و جنگ عراق ۵۴
- ۳- جنگ ۳۳ روزه لبنان ۵۸
- ۴- جنگ ۲۲ روزه غزه ۶۱
- ۵- نتایج معنادار انتخابات در برخی کشورهای اسلامی تا قبل از قیامهای اخیر منطقه: ۶۳
- ۵-۱- مصر ۶۴
- ۵-۲- فلسطین ۶۶
- ۵-۳- لبنان ۶۷
- ۵-۴- عراق ۶۸
- ۶- تحولات منطقه خاورمیانه در سال ۲۰۱۱ ۷۱
- ۶-۱- تحولات تونس ۷۱
- ۶-۲- تحولات مصر ۷۲
- ۶-۳- تحولات لیبی ۷۵
- ۶-۴- تحولات یمن ۷۷
- ۶-۵- تحولات بحرین ۷۸
- ۶-۶- تحولات عربستان ۸۰
- ۶-۷- تحولات سوریه ۸۱
- ب: ماهیت تحولات منطقه خاورمیانه ۸۵
- فصل چهارم: علل و زمینه های بروز و تشدید تحولات دهه اخیر خاورمیانه** ۹۱
- الف: علل بروز و تشدید تحولات با توجه به تاثیر انقلاب اسلامی ایران بر اساس نظریه پخش ۹۲
- ۱- موضوع پخش ۹۶
- ۲- انواع پخش ۱۰۴
- ۲-۱- پخش جا بجایی ۱۰۴
- ۲-۲- پخش سرایتی و اثر همسایگی ۱۰۶

- ۲-۳- پخش سلسله مراتبی و پیشاهنگ ها ۱۰۹
- ۳- مسیرها، مجاری و ابزارهای پخش ۱۱۵
- ۴- حوزه، مقصد و مکان پخش ۱۱۸
- ۵- زمان پخش ۱۲۱
- ۶- چند مرکزی شدن پخش ۱۲۲
- ب: تاثیر جمهوری اسلامی ایران بر تحولات اخیر منطقه ۱۲۵
- ج: ریشه‌ها و دلایل قیام ها در منطقه ۱۳۴
- فصل پنجم: بازیگران تحولات منطقه، اهداف و راهبردها، و موانع تحولات** ۱۳۸
- الف: بازیگران حاضر در تحولات منطقه، اهداف و راهبرد های آنان ۱۳۹
- ۱- بازیگران حاضر در تحولات در سطح ملی ۱۳۹
- ۱-۱- مردم ۱۳۹
- ۲-۱- حاکمان ۱۴۰
- ۳-۱- گروهها، احزاب و شخصیتها ۱۴۰
- ۲- بازیگران حاضر در تحولات در سطح منطقه ای ۱۴۱
- ۱-۲- جمهوری اسلامی ایران و جبهه مقاومت ۱۴۱
- ۲-۲- نائبان منطقه ای آمریکا و جبهه استکبار(اتحادیه عرب، شورای همکاری خلیج فارس، ترکیه، عربستان، قطر، اردن) ۱۴۱
- الف) عربستان ۱۴۱
- ب) قطر ۱۴۱
- ج) ترکیه: ۱۴۲
- د) اردن ۱۴۳
- ۳- بازیگران حاضر در تحولات در سطح بین المللی ۱۴۳
- ۱-۳- جبهه متشکل از آمریکا، برخی کشورهای اروپایی و سازمانهای بین المللی مانند: بخشی از شورای امنیت سازمان ملل، ناتو و ۱۴۳
- ۲-۳- وسایل ارتباطی جدید و رسانه ها ۱۴۷

۳-۳- روسیه و چین ۱۴۹

ب: موانع موجود بر سر راه تحولات بیداری اسلامی در منطقه ۱۵۱

نتیجه گیری ۱۵۶

فهرست منابع ۱۶۰

الف) کتابها ۱۶۰

ب) نشریات و سایتها ۱۶۱

مقدمه:

طرح تفصیلی تحقیق

طرح موضوع

منطقه خاورمیانه به دلیل قابلیت‌ها و توانمندی‌های ویژه در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی - اجتماعی، همواره و بخصوص در طی دهه‌های اخیر اعتبار و نقش خود را به عنوان منطقه‌ای راهبردی در سیاست بین‌الملل حفظ کرده است. موقعیت و اهمیت ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی این منطقه باعث شده که خاورمیانه همواره در پیشبرد طرح‌های راهبردی قدرت‌های بزرگ جایگاه منحصر به فردی داشته باشد و قدرتهای بزرگ همیشه منافع مهمی را برای خودشان در این منطقه از جهان متصور باشند. بروز تحولات سریع و غیر قابل انتظار در کشورهای اسلامی منطقه بویژه کشورهایی همانند تونس، مصر، لیبی، یمن و... در سال ۲۰۱۱ بار دیگر این منطقه را به مرکز سیاست‌های بین‌المللی و کانون رقابت بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل کرد. در مورد زمینه‌ها و علل وقوع این تحولات در طول دوره‌های آن، مطالب مختلفی بیان شده است. بر این اساس، برخی از کارشناسان به تاسی از نظریه‌های انقلاب علل بروز این تحولات را نارسایی‌های اقتصادی دانسته‌اند، برخی دیگر نا کارآمدی و عدم مشروعیت نظام‌های استبدادی را مهمترین علت این تحولات می‌دانند و گروهی دیگر بیداری اسلامی را عامل اصلی این تحولات می‌دانند. این مقاله تلاش دارد با روش توصیفی - تحلیلی به واکاوی تحولات اخیر در کشورهای منطقه شمال آفریقا پرداخته و علل، زمینه‌ها و منشاء این تحولات را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهد.

علت انتخاب موضوع

با توجه به اینکه منطقه خاورمیانه از دیرباز تا کنون به دلیل اهمیت فوق العاده آن، کانون تحولات بزرگ و زیادی بوده است، و در دهه اخیر نیز این تحولات به شکل گسترده تر و فراگیرتری نمایان گردیده است، در این نوشته برآنیم تا با ذکر پیشینه این تحولات، زمینه ها و عوامل ایجاد این تحولات در دهه اخیر، بازیگران موجود در آن، اهداف هر یک از آنها، و در نهایت نتایج حاصل از این تحولات را مورد بررسی قرار دهیم. در این راستا تاثیرپذیری این تحولات از بیداری اسلامی و رابطه آن با انقلاب مردم ایران را نیز مورد کنکاش قرار خواهیم داد بدین جهت از آنجایی که بعد از وقوع این تحولات، در ایجاد ارتباط بین آن و انقلاب ایران و تاثیر بیداری اسلامی بر آن طی سال های اخیر کار مشخصی صورت نگرفته تلاش نموده ایم که این مسئله را به شیوه علمی مورد مطالعه قرار دهیم.

سابقه پژوهش

در مورد سابقه پژوهش هایی که در این زمینه انجام شده می توان به مباحثی که در آن به بیداری اسلامی پرداخته شده اشاره کرد که طی آن صاحب نظران مختلف به تقسیم بندی ادوار، امواج یا مراحل بیداری اسلامی همت گمارده اند که برخی آنرا به سه و برخی دیگر آنرا به چهار دوره تقسیم می کنند، که هر یک از این تقسیم بندی ها از زاویه خاصی به این موضوع نگریسته اند. در زیر به بعضی از این تقسیم بندی ها که به آن ها دسترسی پیدا کرده ام بطور خلاصه اشاره خواهم نمود.

الف) در کتابی که موسسه رهپویان بیداری اسلامی آنرا منتشر نموده و آقای مجید صفاتاج آنرا پدید آورده به سه موج بیداری اشاره شده است. او این سه موج را این چنین بیان می نماید:

«۱. پیروزی انقلاب اسلامی ایران^۲. فروپاشی شوروی، تجربه موفق مقاومت اسلامی در لبنان و فلسطین در رویارویی نظامی با اسرائیل و مشارکت نیروهای اسلام گرا در حاکمیت از طریق شرکت در انتخابات و کسب کرسیهای پارلمانی توسط آنها در کشورهای مختلف اسلامی^۳. اقدام عمومی مردم برای تغییر نظام و ساختار سیاسی حکومتهای وابسته و دست نشانده در منطقه از طریق انقلاب.»

ب) دکتر عبدالله گنجی ارجنکی نیز بیداری اسلامی را دارای سه موج کلی در جهان اسلام می داند که عبارتند از:

«موج اول بیداری اسلامی (اصلاحی) که شرایط زمانی ایجاد آن همزمان بود با شروع استعمار در جهان اسلام، بی خبری مسلمانان از رشد تمدنی غرب و عقب ماندگی جوامع اسلامی، خرافه گرایی و فرقه سازی در بخشهایی از جوامع اسلامی، شروع مهاجرت یهودیان به فلسطین در سال ۱۸۸۱م، شکل گیری دولت - ملتها در جهان اسلام، وجود خلافت اسلامی در کشور بزرگ عثمانی، عدم رضایت اکثریت بخشهای تابعه (جوامع عربی) از حاکمیت وقت و سوء استفاده غرب از این اختلاف و نارضایتی ها برای تولید ناسیونالیسم. وی موج دوم بیداری اسلامی را از زمان تاسیس رژیم صهیونیستی از سال ۱۹۴۸ م تا فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۰م می داند. موج سوم بیداری اسلامی (مشارکت و جهاد) که شرایط زمانی ایجاد آن همزمان بود با پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی، جهانی شدن، هنجار سازی مبارزه با تروریسم در غرب، رشد رسانه های فرامرزی در جهان اسلام، افزایش حضور نظامی غرب در جهان اسلام، شروع روند صلح (سازش) در مسئله فلسطین، پیروزی حزب الله لبنان و تغییر سیاستهای بالای (اولویت دار) جهانی. برخی کشورهایی که در آنها اسلام گرایان توانستند در موج سوم در صحنه سیاسی مشارکت کنند، عبارتند از: ترکیه، الجزایر، مصر، کویت، بحرین، اردن، مراکش، یمن، عراق و فلسطین. در موج سوم، پس از مشارکت اسلام گرایان در عرصه سیاسی، مشارکت فزاینده در کشورهای اسلامی آغاز شد که با حضور مردم در خیابانها و برخوردهای خشن حکومتها با آنها ادامه دارد.»

برخی نیز قائلند که بیداری اسلامی تا کنون چهار مرحله را پشت سر گذاشته است.

الف) از جمله اینکه در مقاله «امواج بیداری اسلامی» که توسط دکتر ولایتی نوشته شده است به این چهار مرحله این گونه اشاره شده است.

«مرحله یک: بیداری اسلامی، آغاز بیداری اسلامی همچون اصل اسلام با دعوت از مردم آغاز میگردد که چنین شد. امیر عبدالقادر، سید جمال الدین اسدآبادی، شیخ فضل الله نوری، سید حسن مدرس، سید محسن امین جبل عاملی و... و سرانجام امام خمینی همگی مردم را به بازگشت و احیای اسلام دعوت کردند و مردم این دعوت را پذیرفتند. اهمیت این مرحله به

قدری است که طمع کنندگان به سرزمین های اسلامی با ردای جدید حمایت از حقوق بشر و دفاع از صلح و دموکراسی، کمر به نابودی آن بسته و با همه توان نظامی خویش در برابر مسلمانان صف آرای نمودند. مرحله دو: تشکیل حکومت اسلامی در هر دو عرصه تسنن و تشیع، تلاش های تئوریک و عملی برای تشکیل حکومت اسلامی با قوت آغاز شد. در جهان تسنن دعوت به بازگرداندن عنصر خلافت به عنوان محور تشکیل حکومت اسلامی توسط متفکران مطرح شد و امام خمینی با طرح موضوع ولایت فقیه، شکل امروزی تئوری حکومت اسلامی را مطرح نمود. مرحله سه: گسترش اسلام، پیشرفت سریع اسلام در آمریکا، اروپا و آفریقا در دهه های اخیر می توان از نمونه های بارز گسترش سریع اسلام لیکن با اقتضائات زمان ما به حساب آورد. مرحله چهار: تجدید بنای فرهنگ و تمدن اسلامی، فرهنگ اسلامی در سایه بیداری و خیزش مسلمانان در حال بازسازی خویش است.»

ب) یکی دیگر از مقالاتی که نویسنده در آن قائل است که بیداری اسلامی تا کنون چهار مرحله را پشت سر گذاشته است، مقاله ای است با عنوان «تحولات عربی در آینده سیاست خارجی ایران» نوشته علی اسلامی که در آن به چهار موج بیداری اسلامی اینگونه اشاره شده است:

«موج اول اصلاحی و مشروطه خواهانه بود که در پیوند اسلام سیاسی لیبرالی و حداقلی با مبانی دموکراسی خواهی بوجود آمد. انقلاب مشروطه در ایران، مصر و ترکیه اثرگذار بود اما به ناگاه مشروطه به صورت اصلاحات تدریجی و بومی شکست می خورد و با دخالت کشورهای خارجی و رادیکال شدن نیروهای اجتماعی داخلی بصورت حذف یکدیگر به سمت دیکتاتوری های توسعه گرا سوق پیدا میکند. موج دوم بیداری جهان اسلام با اندیشه های انتقادی آغاز می شود و با شعار حداکثری بازگشت به خویشتن رویه های انقلابی را ایجاد می کند که البته تنها در ایران موج دوم موفق به تشکیل حکومتی به نام جمهوری اسلامی می شود. موج سوم بیداری جهان اسلام در پی نابودی شوروی ایجاد می شود که دغدغه بازگشت به سلف صالح و مدینه فاضله نبوی به صورت برداشت کاملاً اسلامی از متن دارد. این موج با ترویج خشونت و دادن ابزار مداخله به دست کشورهای خارجی به بیداری ضد اسلامی بدل می شود چرا که اسلام را تروریستی معرفی می کند. اما موج آخر در قرن بیست و یکم شکل

می گیرد و باعث ایجاد جنبشهایی بدون رهبر و بدون ایدئولوژی می شود که اکنون ما در کشورهای عربی شاهد بوقوع پیوستن آن بصورت ارائه اسلام تکثرگرا و مدنی هستیم.»

(ج) و بالاخره در مقاله «بیداری اسلامی و جنبش اسلامی در خاور میانه» که در کتاب «بیداری اسلامی در نظر و عمل» به چاپ رسیده است، نویسندگان (مجید بذرافکن و مهدی جاودانی مقدم) به چهار نسل از جنبش های اسلامی به شرح ذیل اشاره می نمایند:

«۱. نسل اول که به مقاومت در برابر استعمارگران پرداختند و این حرکت تقریباً منحصر از سوی علما شکل گرفت. ۲. نسل دوم با فعالیت های اخوان المسلمین در مصر شکل گرفت که زاینده مقتضیات سیاسی و اجتماعی مصر در نخستین سال های پس از جنگ جهانی اول بود. ۳. نسل سوم با انقلاب اسلامی ایران شکل گرفت که این انقلاب در سال ۱۹۷۹ بزرگترین جنبش مردمی بود که در قرن بیستم در خاورمیانه اتفاق افتاد. ۴. نسل چهارم نیز انقلابهای اخیر در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا می باشد که در حال وقوع است.»

اما اهمیت این تحقیق از آن جهت است که بررسی نماییم تحولات اخیر منطقه ناشی از بیداری اسلامی است یا مباحث دیگر از جمله دموکراسی خواهی، مشکلات اقتصادی و غیره، و اینکه تاثیر بیداری اسلامی بر این تحولات به چه شکلی بوده است؟ و چه نسبتی بین این بیداری و انقلاب اسلامی ایران وجود دارد؟ که این مهم در یک نوشته به شکل منسجم دیده نشده است امید که این پژوهش بتواند این نقیصه را پوشش دهد.

سوال اصلی پژوهش

سوال اصلی که این تحقیق در صدد پاسخگویی به آن می باشد عبارتست از اینکه تحولات منطقه طی دهه گذشته دارای چه ماهیتی می باشد و بیداری اسلامی چه نقشی در این تحولات داشته است و جایگاه ایران در ایجاد این بیداری چگونه است؟

فرضیه پژوهش

از جمله فرضیه های این تحقیق عبارتست از اینکه: تحولات دهه اخیر خاورمیانه دارای ماهیتی اسلامی است و اینکه انقلاب اسلامی ایران به عنوان مبدا پخش تحولات اخیر می باشد. کشورهای اسلامی در مسیر تغییر و تحول می باشند و این تحولات از عوامل محیطی

خارجی بویژه انقلاب اسلامی ایران متاثر می باشد. مردم در این منطقه به عنوان بازیگرانی قدرتمند صحنه تحولات محسوب می شوند و به دنبال ایجاد یک حکومت دموکراتیک بر اساس آموزه های اسلامی و عدم وابستگی و استقلال ملی می باشند در حالیکه تا قبل از این بهره ای از قدرت نداشتند.

مفاهیم

بیداری اسلامی

بیداری اسلامی به آن دسته از باورهای مردم در جوامع اسلامی گفته می شود، که به صورت عمومیت یافته تقریباً همگان بدان معتقدند و زمینه ساز رفتارهای مشخص و مطالبات معین نزد همه آنها می شود. بیداری که جوهره ای غیر حکومتی دارد، مقدمه جنبش اسلامی است. یعنی همانگونه که یک باور منشا یک رفتار می باشد، بیداری اسلامی نیز موجب حرکت اسلامی است. مراد ما از اسلامی بودن بیداری در اینجا، بیش از هر چیز نشان دادن خاستگاه اصلی این بیداری و موثرترین عامل شکل گیری آن و گرایش حاکم بر توده های بیدار شده است و الزاماً به معنی تطبیق همه جانبه آن با معیارها و ضوابط اسلامی نیست. سه مولفه اساسی بیداری اسلامی عبارتند از ۱- اسلامیت یا بازگشت به ارزشهای اسلام ۲- جمهوریت یا همان حضور مردم در صحنه جامعه و ۳- استکبار ستیزی

انقلاب اسلامی ایران

انقلابی که در بهمن ماه ۱۳۵۷ش در ایران به منصفه ظهور رسید انقلابی بود که کمتر کسی آنرا پیش بینی می کرد. این انقلاب در کشوری اتفاق افتاد و رژیم را سرنگون ساخت که به طور کامل به نظام سلطه جهانی وابسته و صرفاً مجری اهداف و برنامه های استعماری آمریکا و رژیم صهیونیستی بود.

«جان.ال. اسپوزیتو»، سیاسی شدن اسلام و تجدید حیات اسلامی و جهانی شدن آن را ناشی از تاثیر اندیشه انقلاب اسلامی ایران می داند و معتقد است:

«انقلاب اسلامی ایران، مهمترین بعداثر بخشی تقویت اندیشه مبارزه و قیام در بین

مسلمانان از سودان تا اندونزی است و این عوامل، موجب تبدیل شدن اسلام به یک نیروی برتر در عرصه سیاسی شده است.»

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، جنبشهای اسلامی جدیدی در کشورهای مختلف در خاورمیانه شکل گرفتند و تا اواسط دهه ۱۹۸۰ در اکثر کشورهای عرب و غیر عرب خاورمیانه گروههای اسلام گرا به مهمترین جریانهای سیاسی تبدیل شدند. اگرچه انقلاب اسلامی زمینه ایجاد یا تقویت برخی گروههای اسلام گرا در جهان را بوجود آورد اما اثرگذاری عمیق انقلاب اسلامی ایران در انتقال راهبردهای عملیاتی آن در مقابله با رژیم پهلوی به سایر جنبشهای اسلامی بود. روش مبارزه گام به گام فرهنگی و سیاسی برای رسیدن به سطحی از توانمندی که با حذف فیزیکی سران آن به شکست نینجامد. رساندن جامعه به آستانه ای از آگاهی که بتواند بدون نیاز به ارتباطات تشکیلاتی حزبی با فهم خود، گزینه درست را انتخاب کند. اسلام به عنوان یک کلیت فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و تربیتی که بدون گوشه گیری، در میانه میدان سیاسی جهان می تواند یک دولت صد در صد آمریکایی را ساقط کند و در یک جنگ سهمگین خارجی مقاومت کند، در مقابل چشم کشورهای و نخبگان مسلمان مرور می شد. بنابراین جنبشهای اسلامی و بالتبع امت اسلامی با اصلاح رفتار و آسیب شناسی عملکرد خویش مسیر دیگری را در حل مشکلات خود با تمسک به اسلام برگزید. ائتلاف با گروههای سوسیالیستی و یا لیبرالیستی را کناری نهاد و شعار عدالت و مبارزه را صرفاً در سایه حرکتی آرام ولی پیوسته با پرچم اسلام برای کسب قدرت سیاسی برگزید. و این مهم به دلیل وجود اشتراکات فراوان سیاسی و فرهنگی میان ایران به عنوان عامل و جنبشهای سیاسی به عنوان محرکهای متاثر می باشد که این اشتراکات عبارتند از: ۱. ایدئولوژی و عقیده مشترک ۲. دشمن مشترک ۳. نیاز مشترک که همان وحدت امت اسلامی می باشد.

منطقه خاورمیانه

خاورمیانه واژه‌ای است که اروپاییان به این منطقه با توجه به موقعیت جغرافیایی خودشان اطلاق کرده‌اند درحالیکه این منطقه تقریباً در مرکز خشکی‌های زمین و نقشه سیاسی جهان است و نه در شرق مرکزی یا همان خاورمیانه. برخی افراد از واژه خاورمیانه به دلیل

اروپامحور بودن آن انتقاد می‌کنند. اصطلاح خاورمیانه آنگاه رواج یافت که بخشهای انگلیسی و فرانسوی زبان از آن استفاده کردند. در زبان فارسی نیز در دهه‌های گذشته همین اصطلاح اروپا محور را بی‌چون و چرا و بدون در نظر گرفتن دیدگاه خود در اینباره -اصطلاح «جنوب غربی آسیا» که بامعنا و از نظر جغرافیایی درست است و برای این منطقه مناسب است- بدون هیچ دلیل موجهی بطور مستقیم از فرانسوی و انگلیسی کپی کردند. خاورمیانه منطقه‌ای است که سرزمینهای میان دریای مدیترانه و خلیج فارس را شامل می‌شود. خاورمیانه بخشی از آفریقا- اوراسیا یا به طور خاص آسیا شمرده می‌شود و در بعضی موارد جزئی از آفریقای شمالی را در برمی‌گیرد. منطقه خاورمیانه که به زعم بسیاری از کارشناسان مهم ترین زیر سیستم جهان به شمار می‌رود و از آن به عنوان منطقه‌ی هارتلند و یا از بخشی از آن نام می‌برند، همواره کانون توجه مراکز استعماری جهان بوده است و از دیرباز نقش بسیار مهمی در راهبرد امنیتی این کشورها بویژه ایالات متحده امریکا داشته است. از لحاظ فرهنگی، خاورمیانه محل ظهور همه ادیان الهی است و به همین دلیل مردم این منطقه بسیار دین‌باور هستند. خاورمیانه از نخستین خاستگاههای تمدن جهان بوده است. بسیاری از باورها و آیینهای جهان از اینجا برخاسته‌اند، نخستین یافته‌های آدمی در اینجا بوده، و نخستین قانونهای جهان در اینجا نوشته شده است. به لحاظ جغرافیایی خاورمیانه محل اتصال سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا است؛ به لحاظ ژئوپلیتیکی نقاط مهمی مثل باب‌المندب، تنگه هرمز و کانال سوئز در خاورمیانه واقع شده است که از نقاط بسیار مهم استراتژیک در سطح جهان هستند؛ به لحاظ اقتصادی منطقه خاورمیانه بیش از ۶۴ درصد مخازن نفت و گاز دنیا را در خودش جای داده است که این هم یک موقعیت ممتاز به منطقه بخشیده است. از دیرباز یعنی حدود ۵۰۰ سال پیش نیز تمام قدرتهای بین‌المللی و استعمارگران تلاش کرده‌اند تا در این منطقه حضور داشته باشند؛ استراتژیست های بزرگ همواره در طول تاریخ گفته‌اند که برای تسلط بر جهان باید بر خاورمیانه مسلط بود. پس این منطقه که به مرکز ثقل قدرتهای صنعتی تبدیل شده است تقریباً تمامی قدرتهای صنعتی جهان را در بازی پیچیده رقابتهای جهانی، مجبور به حضور در این منطقه حساس کرده است بطوری که می‌توان گفت ترکیب قدرت در منطقه خاورمیانه، آینه ترکیب قدرت جهانی در نظم نوین جهانی خواهد بود.

نظریه پخش

نظریه پخش یا اشاعه یکی از نظریه های رایج در باب چگونگی انتشار نوآوری ها و گسترش ایده ها و اندیشه هاست. هرچند خاستگاه اولیه این نظریه در رشته جغرافیای انسانی است، اما در موضوعات رشته علوم سیاسی و روابط بین الملل نیز کما بیش به کار گرفته شده است. این نظریه در سال ۱۹۵۳م از سوی هاگر استرن، جغرافیدان سوئدی، ابداع و عرضه شد. وی و همکارانش با بکار گرفتن این نظریه در مورد گسترش نوآوری پدیده های کشاورزی و چگونگی گسترش سل گاوی در سالهای مختلف، به یافته های ارزشمندی دست یافتند. بعد ها این نظریه چگونگی اشاعه وبای التور در سالهای گوناگون در مناطق هند، آفریقای مرکزی، خاورمیانه، شوروی سابق، اروپا و علل همه جا گیری یا توقف آن در برخی از نواحی را توضیح داد. هر چند نقطه آغاز کاربرد این نظریه در پدیده های کشاورزی و شیوع بیماریها بود، اما کاربرد آن به سایر عرصه های فرهنگی نیز تسری یافت. از این رو، این نظریه قدرت تبیین و توضیح هرگونه نوآوری فکری یا فیزیکی را دارد و هم علت اشاعه، نحوه گسترش و مسیرها و مجاری پخش آن، و هم علل توقف آن و علل گسترش مجدد آن و نیز پایداری برخی از امواج و زوال برخی دیگر را توضیح می دهد. در عصر جدید، عناصر فرهنگی و ابداعات، به سرعت حرکت هواپیمای جت و به سرعت دریافت تصاویر ماهواره ای، میان کشورها و قاره ها اشاعه می یابد.

اشاعه یا پخش عبارت است از فرآیندی که بر طبق آن یک امر فرهنگی (یک نهاد یا یک اختراع فنی و جز آن) که علامت مشخصه یک جامعه است. در جامعه دیگری به عاریت گرفته شده و مورد پذیرش قرار می گیرد. اشاعه را عموماً در مهاجرت های جمعیت ها، که حاصل تماسهای مداوم و زیاد جوامع همسایه است، تشخیص می دهند.

سوالات فرعی

سوالات فرعی تحقیق نیز عبارتند از : ۱. این تحولات به عنوان بیداری اسلامی، دارای چه سوابقی می باشد؟ ۲. تحولات مهم سیاسی و اجتماعی خاورمیانه طی دهه اخیر و علل وقوع آن چه بوده و نقش انقلاب اسلامی ایران در این تحولات چیست؟ ۳. بازیگران تحولات